



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۱۵ مارچ ۲۰۲۵



داکتر سید عبدالله کاظم

به مناسبت چهل و ششمین سالگرد قیام بزرگ 24 حوت هرات

قیام خود جوش و مردمی 24 حوت 1357 هرات بر علیه رژیم کودتائی 7 ثور که از آن اکنون چهل و شش سال می گذرد، یکی از حوادث خونین و اما یکی از حماسه سازترین قیامهای کشور است که به حیث یک رویداد پرافتخار و جاودان در تاریخ مبارزات ملی افغانستان جایگاه خاص دارد. این قیام که به تعقیب یک سلسله قیامهای محلی آن ولایت، به روز 24 حوت سال 1357 یعنی پس از گذشت ده ماه و چند روز از کودتای ثور به وقوع پیوست و مثل طوفان عظیم به شهر هرات فرا رسید، مدت شش روز بطول انجامید. این طوفان که از بین مردم ناراض سر بلند کرده بود، منحصر به عوام نماند، بلکه در روز سوم آتش قیام نظامی را در فرقه 17 هرات شعله ور ساخت که رژیم از موهبت آن لرزید و دست کمک به سوی ولی نعمت خود - اتحاد شوروی دراز کرد. با آنکه قیام با یک دسیسه آشکار سرکوب شد، ولی اثرات آن تا سالهای دراز ادامه یافت که از جهات مختلف دارای اهمیت و برانندگی خاص است و به جرأت میتوان گفت که هیچ قیام دیگر در کشور تا آنوقت از نظر ماهیت، اهمیت و پیامدهای مهم به پایه قیام 24 حوت هرات نمی رسد.

حوادث هرات بعد از قیام بدتر از آن بود که در جریان قیام به وقوع پیوست. اساساً قیام هرات بود که زمینه ساز تهاجم قوای شوروی به افغانستان گردید. نقطه عطف و فشار این تهاجم بیشتر در دهلیز هرات و در ادامه در ساحات جنوب غربی و جنوب شرقی کشور متمرکز بود، جائیکه برای اهداف طویل المدت روسیه و بعداً شوروی همیشه شامل پلانهای توسعه جویانه آن کشور بطرف آبهای گرم محسوب می شد. همین موقعیت حساس و مهم ستراتیژیک این منطقه بود که از قرنهای بدینسو هرات را به یک معبر بزرگ مدنیت ها و هم محل رقابت قدرتهای بزرگ مبدل کرده بود و هر کشورگشا را به تسخیر آن و امید داشت. به همین اساس در 26 دسمبر 1979 فقط 9 ماه بعد از قیام هرات، قوای سرخ شوروی به افغانستان هجوم آورد و مدت 9 سال و چند ماه کشور را به خاک و خون کشانید و مردم را آواره در هر شهر و دیار ساخت.

شوروی برای کتمان حقایق از مردم و جامعه جهانی به پخش تبلیغات وسیع و بی اساس دست زد و با انتشار اعلامیه رسمی، قیام هرات را توطئه اجانب و انمود کرد و آنرا بیشتر به ایران نسبت داد، چنانچه وقتی خبر قیام هرات به اولیای امور شوروی رسید، آنها بطور عاجل جلسه بیروی سیاسی حزب را که عالی ترین مرجع تصمیم گیری سیاسی در شوروی بود، بتاريخ 17 مارچ 1979 یعنی در روز سوم قیام دائر کردند. در اینجا توجه را به مقدمه گفتار گرومیکو وزیر خارجه آنوقت شوروی جلب میدارم که به اعضای بیروی سیاسی چنین گزارش داد: «نظر به تازه ترین گزارشاتی که از طریق صحبت تلفونی و ارسال سفراز افغانستان توسط رفیق جنرال گوریلوف سرمشاور نظامی ما در کابل و رفیق الیکسیف کاردار سفارت در آنجا دریافتیم، حالات افغانستان به شدت روبه خرابی نهاده است. مرکز این ناآرامی ها حالا شهر هرات است. در هرات طوریکه از تلگرامهای قبلی برمی آید، فرقه 17 اردوی افغانستان در آنجا مستقر است. اکنون خبر رسیده که این فرقه از هم پاشیده است. نیروی توپچی و بخشی از نیروهای پیاده این فرقه به جانبداری از شورشیان برخاسته اند. باندهای خرابکار که از قلمرو پاکستان رخنه کرده و نه تنها به کمک دولت پاکستان، بلکه چین و هم ایالات متحده امریکا و ایران آموزش دیده و مسلح گردیده

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

اند، در هرات راه سرکشی پیش گرفته اند. عناصر محلی ضد انقلاب که از ایران و پاکستان رخنه کرده اند، با شورشیان پیوسته اند... بسیاری از افغانها که قبلاً در ایران کار میکردند، اکنون از آن کشور اخراج شده اند و روشن است که نارضایتی شدیدی نشان میدهند، بسیاری از آنان نیز با شورشیان یکجا شده اند.» (گروموف، موریس: ارتش سرخ در افغانستان، ترجمه عزیز اریانفر، چاپ دوم، پشاور، صفحه 6 و 7)

به تاسی از اعلامیه رسمی مقامات شوروی، رژیم کابل نیز متعاقباً به پخش یک اعلامیه پرداخت که در یک قسمت آن آمده بود: «ایران دیوانه وار در حدود چهار هزار نفر سرباز را با لباس افغان وارد این خاک مقدس کرده، آتش ناراحتی و رنج را در کشور برافروخته است و کوشیده تا تخم نفاق در بین مردم بیفشاند و اختلاف شیعه و سنی را دامن زند تا اربابان امپریالیست خود را در لندن و پاریس خرسند کند.» (همین، انتونی: افغانستان در زیر سلطه شوروی، ترجمه اسدالله طاهری، چاپ سوم، 1367، صفحه 148)

رژیم کابل که مثل شوروی از قیام خودجوش هرات و هموائی اردو بامردم وحشت زده و ناقرار گردیده بود، ترس از آن داشت که مبادا سقوط هرات بدست مردم به ولایات دیگر سرایت کند و بساط رژیم برچیده شود. بنابراین تره کی از ولی نعمت خود کاسیگین صدراعظم وقت شوروی تقاضای کمک کرد و در یک مکالمه تیلیفونی که در جریان قیام صورت گرفته است، در برابر این سوال که اوضاع در هرات چگونه است، چنین پاسخ داد: «اوضاع خوب نیست، روبه خرابی دارد و طی یک و نیم ماه گذشته از سوی ایران نزدیک 4000 نفر نظامی با لباس غیرنظامی به افغانستان فرستاده شده اند. حالا تمام فرقه 17 پیاده به علاوه واحدهای توپخانه و دفاع هوایی که به روی طیارات ما آتش گشوده اند، در دست آنها است. در شهر جنگ جریان دارد.»

این ادعا که گویا عده زیاد افراد مسلح و غیرمسلح ایرانی به لباس افغانی فاصله سرحد و ولسوالی غوریان را طی کرده و به سادگی به دهات اطراف آن ولسوالی پراکنده شوند، بدون آنکه عمال رژیم جلو آنها را بگیرند و مانع عبور شان به آن محلات شوند، یک ادعای کاملاً بی اساس و یک دروغ محض است. با یک استدلال ساده، ولی مستند می توان بطلان این ادعا را ثابت کرد، به این شرح که:

اوضاع سیاسی در ایران از چندماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در آن کشور رو به بی ثباتی میرفت و هرآن خطر سقوط سلطنت در آنجا محسوس بود. بناً در آن موقع حساس حکومت ایران به هیچ وجه مجال مداخله و آمادگی برای اعزام افراد مسلح را به هرات نداشت. پس از آنکه رژیم سلطنتی ایران سقوط کرد و انقلاب اسلامی بتاريخ 22 دلو 1357 به پیروزی رسید، اوضاع در ایران تا مدتی چند ماه در هم و برهم بود. اگر از 22 دلو تا 12 حوت روز شماری کنیم، فقط 20 روز از انقلاب اسلامی در ایران میگذشت. در این مدت کوتاه در کشوری که مواجه با تغییر کلی نظام گردیده و تمام امور بهم خورده بود، چگونه ممکن بود که رژیم نوبنیاد اسلامی ایران دستگاه جاسوسی و نیروهای مسلح خود را آماده سازد و یک تعداد آنرا فوری به خارج کشور به منظور برانداختن یک رژیم دیگر اعزام دارد و چگونه در این مدت کوتاه آنها نتوانستند یک عده افسران فرقه 17 را تطمیع و بر علیه رژیم به کودتا بسیج نمایند؟؟

برای درک بهتر اوضاع و آگاهی از عمق و کنه علل و انگیزه های قیام هرات بقول معروف «مشت نمونه خروار» میتوان به بعضی مصاحبه ها عطف توجه کرد که نویسنده و ژورنالیست پولندی "رادک سیکورسکی" [اکنون وزیر خارجه آن کشور] اولین کسی بود که طی یک سفر چند هفته ای خود در سال 1987 در هرات با یک عده مردم دهاتی در محلات انجام داده و در کتابش که بعداً تحت عنوان «خاک اولیا» ترجمه و چاپ شد، به تفصیل بیان کرده است.

اکنون اگر به ادامه مصاحبه های هموطنان روستا نشین بعد از تحولات مصیبت بار رژیم خلقی پرچی توجه و دقت شود، واضح میگردد که چرا تغییرات وارده ناشی از کودتا و عملکرد گردانندگان رژیم از بالا تا پایان و گماشتگان بیخرد شان که فاقد آگاهی و شناخت دقیق از ارزشهای اسلامی و سنتی معمول جامعه بودند، مردم را به یکبارگی از حالت بیتفاوتی بیرون کرد و قدم بقدم به قیام جنون آسا در برابر رژیم و عمال آن کشانید و قیام مردمی و خود جوش هرات را بار آورد که بطور بیرحمانه و خونین توسط قوای رژیم سفاک خلقی سرکوب شد و از روز شروع قیام تا مدتها بعد از آن در مجموع بیش از بیست

هزار نفر بدست جلادان قرن جام شهادت نوشیدند. روح همه شهدای گلگون این قیام بزرگ و حماسه آفرین شاد و یادشان گرامی باد! (برای شرح مزید دیده شود: کتاب "هرات - از قیام حوت تا امروز" از این قلم که در 498 صفحه در اکتوبر 2011 در کالیفورنیا چاپ گردید)

